

مباحث روشنفکری برآمده است؛ در فلسفه‌ی سیاسی‌اش، قدرت محور قرار گرفته و مدل‌های اجتماعی طبق آن طرح می‌شوند. وی ریشه‌ی تمام مسائل اجتماعی سیاسی را در پرتو رابطه‌ی دانش و قدرت می‌بیند و بر جداسازی حوزه‌ی قدرت و نظام دولت تأکید دارد.

فوکو، تاریخ دیوانگی در عصر کلاسیک را روشی برای محبوس کردن انسان می‌داند. در نظر فوکو، محور هر چیز قدرت است و مهم آن خواهد بود که انسان بداند چگونه اعمال خواهد شد. وی راز بزرگ عصر را قدرت به دست چه کسی و کجا اعمال می‌شود، دانسته است. در نگاه او، درک قدرت و اعمال راه‌های آن بسیار دشوار است، چرا که دل‌بستگی به آن، به حقیقت انجامیده می‌شود. فوکو، این پرسش را طرح می‌کند: آیا فکر کردن واقعاً مهم است؟ فکر حقیقتی است که به چشم نمی‌آید و همیشه پنهان است. انسان بی‌فکر حدسی نادرست است؛ چون در احمقانه‌ترین رسوم، همیشه کمی فکر وجود دارد. کار روشنفکر در قلمرو فکر است. اوست که باید ببیند آزاد کردن افکار تا کجا می‌تواند به مساله‌ی تغییر بیانجامد.

فوکو می‌گوید: عصر روشنگری در صدد برآمده که قوا و اختیارات سیاسی عقل را گسترش دهد و در قرن نوزدهم با این پرسش اساسی روبه رو شده که آیا عقل بی‌اندازه نیرومند نشده است؟ حال که فهمیدیم باید مراقب عقلانیت سیاسی بود تا پاسخی برای چه باید کرد بیابیم، وی می‌گوید اگر بخواهیم بفهمیم که چگونه در تاریخ به دام افتادیم، لازم است به جریان‌های بسیار دور رجوع کنیم. فوکو در تشکیل دولت، مواردی را به بحث می‌گذارد که شامل: افراط در عقل‌گرایی، زیاده‌روی در عقل‌ستیزی، کردارهای سیاسی، عقلانیت قدرت دولت، نظریه‌ی تدبیر مملکت، پولیس و موضوع فعالیت عقلانی دولت است.

در نگاه فوکو، قدرت نه جوهر و نه اعراض بوده، بلکه چیزی از نوع معین رابطه بین افراد است. عوامل تعیین کننده قدرت متعدد می‌باشند و تلاش در عقلانی کردن آن است. نگاهش عقل کلی به هر دلیل نادرست است و همیشه باید در خصوص عقلانیت خاص تردید و انتقاد کرد.

جان استوارت میل، ذوب شدن فرد را در جمع نمی‌پسندید و به همین جهت کتاب مهم «دریاره‌ی آزادی» را به رشته تحریر درآورد. با نگاه‌های میل، تلاشی تازه به گرایش در اصالت فرد، باب گردیده است. ریشه‌ی تفکر آزادی فرد در افکار «آکسی دو توکویل» وجود داشته که با طرح استبداد اکثریت، ذهن استوارت میل را به آزادی فرد جهت داده است. هراس میل آن بود که اکثریت با آگاهی از قدرت خویش، در استفاده از آن زیاده‌روی خواهد کرد. وی اگرچه فردگرا نبود، ولی از تنگنای افکار عمومی نیز نگران بود. شاید استدلال وی در دفاع از فرد تا اندازه‌ای افراطی بوده، ولی گمان می‌رود که روی هم رفته جریانی چاره‌ناپذیر بوده است. میل به طرفداری از آزادی فردی به سه استدلال تکیه کرده



# سخت خرد درسیاست

سید یونس ادیانی

در برگرفته و در خصوص سیاست نیز شالوده‌ای متکی بر کاوش‌های نظری ریخته است. در نگاه کانت، سیاست شاخه‌ای از دانش اخلاق است. فولادوند در مقاله‌ی خود، در صدد طرح شبهه‌ی از تفکر سیاسی او برآمده است.

کانت در جست و جوی غایت طبیعی است و نشان می‌دهد که انسان در وضع اجتماعی، احساس انسان بودن می‌کند. وی منشأ حیات اجتماعی را مانند روسو، تعاون و هماهنگی اراده‌های فردی نمی‌داند و کنش و ضدیت و معاندت را ریشه‌ی بقای اجتماعی می‌داند، اگرچه نظریه‌ی روسو را که بین طبیعت و مدنیت تعارضی وجود دارد، تصدیق می‌کند، ولی می‌گوید که انسان به واسطه‌ی چنین تعارضی به آزادی خرد دست می‌یابد و اعلام می‌کند که هرکس آزادی خود را باید محدود به آزادی دیگران ببیند.

فلسفه‌ی سیاسی کانت متوجه بهروزی در جهان است و از مدینه‌ی فاضله‌ی ایدئولوژی‌ها فاصله دارد و آنها را رد می‌کند. او اساساً از چیزهای شدنی و برحق سخن می‌گوید و تنها نظام جمهوری را شایسته‌ی نام حکومت می‌داند. کانت در فلسفه‌ی سیاسی به سه رکن اساسی باور داشته که عبارت از آزادی، قدرت و قانون است.

میل فوکو، دریاره‌ی «رازبینی» و «راستی» نکته‌ها دارد و برخلاف مناسبات جزئی نگر، در صدد طرح

■ ترجمه و انتخاب عزت الله فولادوند

■ طرح نو، چاپ اول ۱۳۷۷

■ ۲۲۰۰ نسخه، ۲۸۰۰ تومان

کتاب «خرد در سیاست» حاصل پوییش‌های عقلانی پاره‌ای از متفکران سیاسی جهان معاصر است. در این اثر گرانسنگ تلاش گردیده تصویری روشن از خرد سیاسی ارائه شود و برای تحقق این مهم، از آرای متضاد نیز استفاده شده است. این مجموعه مقالات اگرچه در نگاه نخستین ناهمگون به نظر می‌رسند، ولی می‌توان آنها را در سه جنبه‌ی ویژه ترسیم کرد، با این حال مشکلات ساختاری در انتخاب مقالات ناهم‌ساز، واقعیتی فراموش نشدنی است:

۱ - مقالاتی که به طرح یا نقد نظریه‌های مهم سیاسی اختصاص یافته‌اند.

۲ - طرح آنچه که مشکلات روز آمد به شمار می‌آیند و اذهان عمومی روزانه با آنها درگیر هستند.

۳ - نوشته‌هایی دریاره‌ی افکار و اندیشه‌های پاره‌ای از متفکران سیاسی معاصر.

فلسفه‌ی کانت با سنجش توان خرد انسان و تعیین شناخت حدود نظری و عملی آغاز می‌شود. دستگاه فلسفی‌اش به گونه‌ای است که اغلب مسائل انسانی را

است: الف - اصل سودمندی ب - اصل منع مداخله ج - اصل حقیقت جویی.

فردیش فون هایک، اعتقاد دارد که آزادی وضع طبیعی نیست و ساخته‌ی تمدن است و به قصد و عمد به وجود نیامده است. به نظر هایک، بشر تا به امروز وارث دو سنت مختلف درباره‌ی آزادی است: الف - تجربی و فارغ از قید دستگاه‌های یکپارچه‌ی نظری ب - نظری و عقلی.

اولی بر پایه‌ی سنت‌ها و نهادهای خودانگیزخته رشد کرده و دومی به منظور آرمان شهری؛ به نظر هایک، تأثیر روشنفکران کشورهای دمکراتیک در سیاست چشم پوشیدنی نیست. وی می‌گوید که ورود سوسیالیسم به هر کشوری، عامل تعیین کننده در سیاست شده است. در این بحث به چند نکته توجه بیشتری می‌شود که شامل تأثیرگذاری روشنفکران، داوری بر اندیشه‌های کلی، خطاهای عصری نو یافته که سرچشمه عمل می‌باشند.

علت نفوذ روشنفکران به نظر هایک شجاعت آنها یا ناشی از ظرفداری به یک ناکجاآباد و مدینه‌ی فاضله است. وی تأکید دارد که آینده‌ی آزادی تاریک است، جز آن که قدرت اندیشه نفوذ یابد.

هایک، اذهان را به اصالت قانون توجه می‌دهد و اذعان دارد که همه‌ی حوزه‌های سیاست باید تابع استدلال حکومت قانون باشد، به نظرش، خصصلت و ویژگی فعالیت دولت اهمیت دارد و نه حجم آن و بنابر اصول، نگرستن به کیفیت، نیک تر از توجه به کمیت است.

وی درباره‌ی این موضوع اذهان را به چند محور توجه داده تا به جای آشفته‌گی فکری، روشنگری بیابند. این امور شامل آزادی فردی و مداخله دولت، فعالیت‌های مشروع دولت، دامنه‌ی اقدامات اجرایی، اقداماتی که مردود می‌باشند، توجه به محتوای حقوق خصوصی، توجه به آزادی عقود، حکومت قانون و عدالت توزیعی است.

در این اثر چند مقاله به فلاسفه‌ی سیاسی اختصاص داده شده که دورنمایی از آن ترسیم می‌شود. جان گری درباره‌ی آزادی خواهی پوپر نکاتی را یادآوری می‌کند. به نظر مؤلف به رغم تأثیرات اندیشه‌ی سیاسی پوپر در تاریخ معاصر، افکارش مورد توجه نظریه پردازان قرار نگرفته است.

مؤلف اذهان عمومی را به دو نکته درباره‌ی پوپر توجه می‌دهد:

الف - شناساندن نظریه‌ی سیاسی.

ب - ارزیابی خدماتش در فلسفه‌ی علم.

بخشی را به خصصلت عمومی فلسفه‌ی او اختصاص داده و نشان داده که محور معرفت‌شناسی پوپر، توصیفی ابطال پذیری، ملاک مرزبندی میان گزاره‌ها و نظریه‌های تجربی و غیر تجربی است.

پوپر، پیشرفت علمی را مرهون راست‌نمایی نظریه‌ها می‌داند. در افکار وی دو نکته‌ی دیگر نیز مهم است:

۱ - رابطه ماهوی فلسفه‌ی علم با فلسفه‌ی سیاست.

۲ - آموزه‌ی سیاسی که فرض‌های اساسی ایدئولوژی انقلابی را نادرست می‌شمارد.

مؤلف بخش پایانی را به انتقاد فرین از اندیشه‌ی سیاسی پوپر اختصاص داده و مقایسه‌ای بین او و استوارت میل انجام داده است. در این مقاله طرح زیر ساخت‌های دو نکته‌ی بسیار مهم فراموش شده است: الف - تئوری ابطال پذیری. ب - تئوری جامعه باز.

نوشته‌ای که نتواند این دو موضوع را درست بکاود، در واقع هیچ سخن اساسی درباره‌ی پوپر نگفته است.

رابرت دال، به مواردی درباره‌ی اندیشه‌ی انقلابی کارل مارکس اشاره کرده است. تصور انقلاب در همه‌ی نوشته‌های مارکس مشهود است و شاید محور نظری آثار نخستین او بوده است. انقلاب در نگاه مارکس، یک نوع ضرورت دگرگون سازی کامل جهان است که شامل تحول در پدیداری اجتماعی، اقتصادی، تکنولوژی، سیاسی، حقوقی و ایدئولوژیک است.

مارکس را در سه حوزه‌ی فلسفه، سیاست و جامعه‌شناسی باید مطالعه کرد. به نگاه مؤلف مارکس تئورسین تاریخ و جامعه‌شناسی را هم‌زمان باید شناخت و جدایی میان این ساخت‌ها تصویری ناپخته است.

هایدگر در قلمرو سیاست با این سخن که اندیشه‌ها دخلی به سیاست ندارند، مرتبط با اجتماع شد و در همان سو با نیهلیسم آشنا گردید. نیهلیسم، از نگاه هایدگر، واپسین پیامد سوءتصور بنیادی درباره‌ی هستی یا فراموشی هستی است. وی اعتقاد دارد که نیهلیسم، هم بزرگترین قاجه‌ی اخلاقی و سیاسی و هم بزرگترین امکان فلسفی را پدید آورده است.

هایدگر مساله‌ی هستی را از راه پژوهش درباره‌ی انسان طرح می‌کند و پرسش از هستی را به وسیله‌ی تحلیل هستی انسان شروع کرده و عقیده دارد که هستی هنگامی برای انسان طرح می‌شود که با مرگ، این وجود روزانه زیر سؤال برود.

مایکل کیسبی، اندکی درباره‌ی اقترا بنیادی هستی و زمان در نگاه هایدگر بحث می‌کند و سپس درباره‌ی نقد مابعدالطبیعه و تمایزش به نازیسم و فهم جدیدش از قدرت و فاعلیت آزادی انسان از سنت و نیز تشریح سه مشکل زندگی، امریکایی مآبی، مارکسیسم و نازیسم را به بحث می‌گذارد.

مقاله‌ای به «از هایدگر تا بورکهارت» اختصاص یافته و مناقشه بین باور نازیسم و مکتب ساخت شکنی را طرح می‌کند. مؤلف در طرح این مناقشه، از آرای رابینا دلوزنک و لژت استفاده می‌کند تا تناقض‌ها را بهتر نشان دهد. از آرای مطروحه استفاده می‌شود که هایدگر دچار تناقض شناختی بوده و پاره‌ای نیز تأکید دارند که وی مدافع ناسیونال سوسیالیسم، پیشوا، صدراعظم و هیتلر نبوده است. در این میان لژت بیش از همه به نقد افکار هایدگر پرداخته و بیان داشته که ریشه‌های اندیشه‌ی هایدگر، تاریخ پرستی مابعد طبیعی است.



مقاله‌ای از مایکل پولانتی درباره‌ی فراسوی نیهلیسم است. این مقاله هیچ انگاری را نوعی زیاده‌روی اخلاقی می‌داند که گریبانگیر عصر جدید شده است. در ادامه می‌گوید که انتظار از جهان بینی نوین، آزادی انسان بوده که انسان متمدن اخلاقاً به سرعت منحط و تباه شده است. در نگاه مؤلف هیچ انگاری جدید، مساوی با اخلاق ستیزی است و چاره‌ی مشکل را مشارکت مدنی شهروندان می‌داند که در پرتو یگانگی به اصلاحات استمراری دست می‌یابند.

فاشیسم، عنوان مقاله‌ای از موسیوینی است. وی معتقد است که تصور فاشیستی از زندگی، تصویری مذهبی است که طبق آن انسان در چارچوب مناسبات دائمی خود با قانون ارتقا می‌یابد. این نظام ضد فردگرایی است و همیشه اهمیت دولت را مورد تأکید قرار می‌دهد. تا جایی که می‌گوید فاشیسم نه فقط مقنن و بنیادگذار نهادها، بلکه مروج زندگی معنوی است. فاشیسم در سیاست و اقتصاد با لیبرالیسم در تعارض بوده و مناقشات دائمی آن‌ها نشانی از این ضدیت ریشه‌ای است. در مجموع ساختار فاشیسم به گونه‌ای است که با سه مکتب سوسیالیسم، دمکراسی و لیبرالیسم ضدیت دارد و نه تنها مستلزم واپس راندن نیست، بلکه آموزه‌اش، واقعیتی جهان‌گیر به شمار می‌آید.

مرامانه ارتجاع بر شانه دو عامل قرار دارد: الف - دستورهای اخلاقی و ب - ضرورت‌های ناشی از محل. برش فون مرنیخ درباره‌ی مرامنامه‌ی ارتجاع می‌گوید که به جای توجه به پیشرفت فکر و ذهن انسان باید رشد حکمت و فرزانیگی را شتاب داد. از آن جا که خلاف مقصود رخ داده، پدیداری انقلاب فرضی نادرست است. در این حکومت، ثبات‌گرایی اصل بوده و فرقه‌گرایی نتیجه‌ای نادرست است. به هر حال، پادشاه

باید به فکر خود باشد تا در شورانگیزی نابود نشود. راسل، اخلاق را به دو بخش شخصی و اجتماعی می‌داند. اخلاق شخصی برخلاف اجتماعی از نهادهای اجتماعی - سیاسی تفکیک شده است. وی اشاره می‌کند که معتقدات اخلاقی دو منشأ بسیار مختلف داشته‌اند: یکی سیاسی و دیگری مربوط به باورهای دینی و اخلاقی بوده است.

کمال فردی عبارت از رفتار درست و همسازی با دیگران است. این حوزه‌ی عمل، پایین‌تر از حوزه‌ی تکلیف اجتماعی نیست. فراموش نشود که بحث اصالت فرد یا جمع، ریشه‌ی تاریخی از یونان باستان داشته و اگرچه در سراسر تاریخ دچار نوسانی نیز بوده است. چرا جنگ؟ عنوان نامه‌ای از فروید به آیشتاین است. وی با پرسش‌هایی نامه را شروع می‌کند: آیا راهی برای نجات بشر از خطر جنگ وجود دارد؟ آیا پرخاش‌جویی آدمی را می‌توان به مجرای هدایت کرد که حافظ او در برابر انگیزه‌ی کینه‌توزی و ویرانگری باشد؟ در این نامه به نکاتی چون حق، خشونت در تنازع و تعارض، فرا رسیدن مرحله‌ی نیروی مغزی برتر توجه می‌شود. نکته ظریف‌تر، طرح از خشونت تا قانون است. وی حق را به معنی قانون دانسته که عبارت از زور جماعت است. به نظر فروید، دو گروه همیشه در حکومت با هم نزاع داشته‌اند:

۱ - کوشش اعضای حاکم که خود را برتر از محدودیت‌های قانونی قرار می‌دهند.  
۲ - تلاش مستمر مردم که در قلمرو حکومت حقوق خویش را گسترش دهند.

به هر حال، ایشان اعتقاد دارند هنگامی که پای منافع متعارض در میان باشد، خشونت‌گرایی چاره‌ناپذیر است. در نگاه لوئین پای، نظام‌های سیاسی دارای دو نگرش مشخص می‌باشند:

۱ - شامل نگرش‌های ذهنی و احساسات می‌شود.  
۲ - شامل نمادهای عینی و مرام‌ها و رفتار سیاسی حاکم.

در مقاله‌ی «فرهنگ سیاسی» مؤلف به چند نکته توجه دارد که شامل نظریه‌پردازی سیاسی، مفهوم فرهنگ سیاسی، انتخاب عقلانی، تجدید علاقه به فرهنگ و عوامل فرهنگی است.

ارنست رنان در مقاله‌ی «ملت» می‌گوید: این مفهوم اگرچه ظاهری ساده دارد، ولی حاوی سوء تفاهم‌های بسیاری است. از خطای روزگار، یگانه پنداشتن ملت و نژاد می‌باشد که در نتیجه به حاکمیت مشابه دامن زده است. نژاد هویت تاریخی دارد و ملت معنی تازه‌ای در تاریخ است.

درباره‌ی ملت چند نظریه وجود دارد:  
الف - حاصل دودمانی است که در قدیم سرزمینی را تسخیر کرده‌اند.  
ب - اساس آن را به نژاد نسبت داده‌اند.

در این باره به چند مسأله پرداخته می‌شود که شامل ملت، نژاد، رابطه‌ی نژاد و زبان، تاثیر دین در تأسیس ملت‌ها، اشتراک مصالح و منافع برای ایجاد ملت و

مرزهای طبیعی در تقسیم کشورهاست.

استنی بن در مقاله‌ی ناسیونالیسم چیست؟ پنج معنی برای آن بیان می‌کند و سپس وارد مباحث ماهیت و ملاک ملیت می‌شود. در ادامه ملت را براساس دولت تعریف می‌کند و سپس برحسب زبان و فرهنگ آن را توسعه می‌دهد.

نگاه‌های مؤلف به ملت چند سویه است و شامل میراث مشترک، سرزمین، هدف مشترک، حق تعیین سرنوشت ملی و حق حاکمیت می‌شود.

در نگاه هائیتی لوباس انقلاب جریانی ذاتاً سیاسی است. این پدیده، با بحران سیاسی آغاز می‌شود و با سامان سیاسی به پایان می‌رسد.

برای مبلرزات انقلابی سه مرحله درخور ترسیم است:

الف - یورش نخستین به حکومت.

ب - حکومت رژیم انقلابی.

ج - دفاع رژیم انقلابی از خود.

درباره‌ی دمکراسی عنوان مقاله‌ای از دیوید هند است. وی در آغاز نگاه تاریخی به دمکراسی دارد و سپس درصدی بر می‌آید که واژه‌ی آن را معنی کند، برای روشنگری درباره‌ی دمکراسی، پرسش‌هایی طرح می‌کند که درخور توجه است.

بخشی از این مقاله را به نظریه‌ی لیبرال دمکراسی اختصاص داده و بخشی دیگر درباره‌ی لیبرال دمکرات است. سپس نگرش‌های کارل مارکس و فریدریش انگلس را درباره‌ی آنها توضیح می‌دهد.

مقاله جان هال «درباره‌ی لیبرالیسم» سه بخش دارد:

۱ - تفکیک و بررسی الگوهای عمده‌ی فکری در کل لیبرالیسم.

۲ - تاریخ لیبرالیسم و سنجش نهادها و نظریه‌های لیبرالی.

۳ - لیبرالیسم از جهت تأثیر ژئوپلیتیکی.

در مقاله‌ی «پلورالیسم سیاسی» در آغاز مؤلف به تعریف واژه می‌پردازد و مراد خود را مشخص می‌کند و سپس از نظر تاریخی آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. پس از بحث‌های لغوی و تاریخی اذهان را به مبنای توجه می‌دهد. در این مقاله از سه نوع پلورالیسم گفت‌وگو می‌شود و بخشی نیز به نقد و ارزیابی اختصاص داده شده است:

۱ - پلورالیسم حقوقی.

۲ - پلورالیسم دمکراتیک.

۳ - پلورالیسم شراکتی.

موری کرسن بردباری را به معنی روش تحمل و چشم‌پوشی دانسته و سپس می‌افزاید که بردباری را باید از بی‌اعتنایی متمایز دانست. بردباری شقوق مختلفی دارد که به پاره‌ای از آنها در این مقاله اشاره شده است. نمونه‌ای از آن بردباری تعقیب و آزاد، بردباری مذهبی و بردباری سیاسی است. درباره‌ی این مفهوم دفاع فلسفی انجام گرفته که نمونه‌ای از آن، آرای لاک است.

بنیان اسمارت در مقاله‌ی خود، «دین» را از شش جهت به سیاست مربوط دانسته و تریابط آنها را چاره‌ناپذیر به شمار آورده است:

۱ - دین به شیوه‌ی مختلف با دولت تک ملیتی، تعامل یا کنش و واکنش پیدا می‌کند.

۲ - ناشر ادیان در روابط بین‌المللی.

۳ - تعارضات دینی و جدایی در درون دولت‌ها.

۴ - ارزش‌های دینی در توجیه و مشروعیت دادن به عمل سیاسی.

۵ - نقش نهادهای دینی در درون ملت‌ها.

۶ - متأثر بودن رفتار رهبران سیاسی از اعتقادهای دینی.

جنسیت و سیاست عنوان مقاله‌ای از سیتیانلو است.

وی می‌گوید که جایگاه زن در سیاست با مطالبه‌ی حق رأی آغاز شده است. سپس ادامه می‌دهد که جنسیت و سیاست به زنان محدود نمی‌شود، بلکه به چگونگی شکل‌گیری قدرت اجتماعی و حکومتی و در نتیجه مناسبات زنان و مردان ربط پیدا می‌کند.

نهضت فمینیست‌ها برای حیات سیاسی، جنسیت جنبه‌ی سیاسی بوده است. فمینیست‌ها، طرفدار پیوند میان قدرت حکومتی و روابط خصوصی نیستند. نظام سیاسی هر کشور به شرایط سه گانه وابسته است:

۱ - پدرسالاری به معنی نظم سیاسی که زنان به خودی و اجتناب‌ناپذیر برای برخی از کارها اولویت پیدا می‌کنند.

۲ - ساختار پدرسالارانه که مردان دارای ارزش اجتماعی بیشتر هستند.

۳ - تقسیم کار برحسب جنسیت که به هویت سیاسی منجر می‌شود.

مؤلف مراتب اجتماعی سیاسی را نادرست می‌داند و به منظور کسب حق رأی و دست یافتن به آموزش و بهره‌مندی از حقوق و دستمزد برابر و بر ضد سوزاندن جهیزیه و برخورداری از حق حاکمیت زمین و طلاق و سقط جنین بر علیه خشونت در خانه و به طرفداری از جرم شناختن تجاوز جنسی شوهر برخلاف میل زن، تلاش می‌کند.

یگانگی و بیگانگی عنوان مقاله‌ای است که در آغاز این واژه‌ها از نظر کارل مارکس معنی می‌شود. این مفهوم، از مفاهیم محوری مارکسیسم به شمار می‌آید. چنین مفهومی از نسیمه‌ی دوم قرن بیستم وارد واژه‌نامه‌های فلسفی شده و بحث کلیدی در این باره، پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفته است.

در قرن جدید، چنین مفهومی در آثار طرفداران نظریه‌ی پیمان اجتماعی دیده می‌شود. این مفهوم در آثار اولیه هگل نیز چشم‌انداز ویژه دارد. مؤلف این مفهوم را در نگاه هگل، مارکس و فوئرباخ طرح کرده است.

نظریه‌ی وابستگی عنوان مقاله‌ای از الیزابت دور است. این نظریه در پرتو توسعه اقتصادی و اجتماعی توضیح داده می‌شود. به نظر وی، علل توسعه نیافتگی، ناشی از مناسبات سلطه‌گرایانه است. مروجان و

مدافعان این نظریه، یاران و فرانک بوده‌اند.

ژوزف پیپو در مقاله‌ی «در خشونت و درماندگی و فردگرایی»، واژه‌ی خشونت را به معنی پرخاشگری دانسته است. در این مقاله به نکاتی چند پرداخته می‌شود که شامل مباحثی چون نه عقل و نه خویشنداری، برخورد پدیدار شناسانه با موضوع، رابطه‌ی اسطوره‌سازی با جنبه‌ی سیاسی خشونت، برخورد روان شناسانه با موضوع، منطق خشونت، بی‌رسمی و خشونت، پریشانی‌های جوامع متمدن و جوامع بدوی، بی‌اعتنایی یا احساس به دیگران، خشونت در داستان، خشونت در واقعیت، رشک و رقابت، شرط ایجاد نظم لیبرال، نبود خیرمشتک و بخش پایانی به نتیجه‌ی بحث اختصاص داده شده است.

دانیل شیرو در مقاله‌ی «در اروپای شرقی چه گذشت»، در جستجوی علت‌های اساسی بحران است و آنها را محصور در چند چیز می‌داند.

الف - مشکلات اقتصادی موجب فرو ریختن کمونیسم در اروپای شرقی شده است.

ب - علت‌های سیاسی و اخلاقی.

مؤلف بخشی را به علل انقلاب‌ها در جوامع پیشرفته اختصاص داده است.

۱- اروپای شرقی و علل همیشگی.

۲- اروپای شرقی و دیگر انقلاب‌های معاصر.

۳- مدل‌ها و اخلاق.

مقاله‌ی «دشمن شناسی» به قلم میروسلاو هُتوب به سه دوره توجه ویژه دارد:

۱- دوره‌ی برزنتف یا نگاه کمونیستی.

۲- دوره‌ی اشغال نازی. ۳- دوره‌ی استالینی.

در این سه دوره بشر با دشمنان آشکار سروکار داشته و دوره‌ی مهم‌تر چهارمین دوره یا دوره‌ی پنهان است. دوره‌ی پنهان عبارت از دست‌های پنهان مافیایا، فراماسونری‌ها، ماجرای یهودی‌ها و سیا هستند.

هانس ماگنوس در مقاله‌ی «کوچ بزرگ» مشکل مهاجرت در جهان امروز را بررسی می‌کند. در نگاه مؤلف هر مهاجرتی، حاوی سه نکته است:

۱- علت خاص. ۲- ماهیت ویژه. ۳- تعداد جمعیت.

مهاجرت در عصر جدید، همان حرکت پیشین اقوام نیست و این دو جریان تفاوت اساسی با یکدیگر دارند. بشر جدید در عصر جابجایی جمعیت از طریق مهاجرت است. مهاجرت شامل فقر مالی، فقر علمی، فقر سیاسی و فقر ارزشی است. از مهاجرت، مشکل جدید پدیدآمده که در قالب تنفر از خارجی و بیگانه ترسی است.

مارتین وان کروند در مصاحبه «جنگ‌های آینده و سرنوشت مبهم دولت‌ها» می‌گوید که آتش جنگ در پنجاه سال اخیر در گوشه‌هایی از جهان روز آمد بوده است. جنگ قرن بیست و یکم، آینده‌ی جنگ است. جنگ آینده بین دولت‌ها نیست؛ بلکه جنگ بین

## داستانهای ایرانی

■ احمد تمیم‌داری،  
حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی  
■ تهران، ۱۳۷۷.

دکتر احمد تمیم‌داری در کتاب داستان‌های ایرانی، کلیه حکایات و داستان‌های زبان فارسی را گردآوری و در دسترس علاقه‌مندان قرار داده است. تمام داستان‌ها در دوره قبل از اسلام نوشته شده است. در این مجموعه خلاصه‌ای از هر داستان به همراه تحلیل مختصری از اثر ارائه شده است. نویسنده همچنین به صورت مجزا، شخصیت‌هایی که در هر داستان وجود دارند را معرفی و نوع، زبان و مکان داستان را مشخص کرده است. داستان‌ها به همان ترتیبی که در منابع اصلی قرار داشته ارائه شده است یعنی داستان‌ها بر اساس موضوع تنظیم نشده است.

به طور مثال داستان‌هایی که در کتاب اوستا وجود دارد به همان ترتیب در کتاب دکتر تمیم‌داری گنجانده شده است. داستان‌هایی که در این اثر آورده شده است از کتاب‌هایی چون اوستا، دینکرد، یادگار زیربان، درخت آسوریک، زند و هومن یسن، مینوی خرد، کارنامه اردشیر بابکان ... است. برای مشخص شدن سخن نمودار اصلی کتاب این‌گونه است:

۱- نام کتاب ۲- خلاصه‌ای از داستان ۳- تحلیل

۴- شخصیت‌ها ۵- نوع داستان ۶- زبان ۷- مکان ۸- زمان

یقیناً برای شناسایی فرهنگ و تمدن هر ملت، در بدو امر باید در تاریخ و ادبیات آن مرز و بوم جست‌وجو کرد. در این راستا، اشکال بیان ادبی مخصوصاً داستان‌ها می‌توانند سهم بسیار مهمی را ایفا کنند؛ چرا که در این نوع ادبی، داده‌ها در ایجاز و مفهوم‌گرایی خاص خود مطرح و موضوعات بسیار ریز، در خور تعمق و مہمی که از چشمان تیزبین تاریخ به دور مانده در کمال زیبایی ارائه شده است.

دکتر احمد تمیم‌داری در کتاب داستان‌های ایرانی تمام تلاش خود را در شناسایی، گونه‌بندی، تحلیل و ... انواع داستان‌های فارسی به کار برده است تا از این طریق محققان، اندیشمندان و علاقه‌مندان داستان بتوانند به راحتی به این مهم دست یازند. مشخص است که کتاب ۳۲۲ صفحه‌ای ایشان کامل نیست و نیازمند تکمیل است و البته دست‌یابی به داستان‌ها در توان محققان و جست‌وجوگران نیست و لازمه این کار بررسی منابع بسیار است. داستان‌هایی که در این مجموعه گردآوری شده بیشتر جنبه دینی، اخلاقی و حکمی دارد. مؤلف در مقدمه کتاب اهدافی را بر شمرده است. شناسایی حجم داستان‌ها، معرفی آثار، مطرح کردن خلاصه داستان و یا کل آن، ارزیابی فرهنگ و باورهای بومی قومی، ریشه‌یابی رفتاری ایرانیان، ارائه موضوع به نمایشنامه‌نویسان ... از جمله مواردی است که باعث خلق این اثر شده است. در این کتاب، جستارگر به تعریف و توصیف برخی واژه‌های تخصصی از جمله

سازمان‌های مختلف است. سازمان‌ها به دو بخش ملی و فوق ملی هستند و به اندازه‌ای قدرت یافته‌اند که از هم اکنون در صدد به عهده گرفتن وظایف دولت می‌باشند. وی معتقد است که در اواسط قرن بیست و یکم، نقشه دنیا دگرگون می‌شود.

در نگاه موریس کرنتی، هانا آرنت که شاگرد کارل یاسپرس بود، فردی اگزیزستانسالیست است. هانا آرنت آثار مختلفی دارد که عمیق‌ترین آنها «وضع بشر» است. وضع بشر در تفکر آرنت، تجویز سه نوع فعالیت را به انسان می‌دهد. آن سه عبارت از تقلا، کار و عمل است. وی آرای سیاسی خود را در دو کتاب «خشونت و انقلاب» و «سرچشمه‌های توتالیتاریسم» به رشته‌ی تحریر درآورده است.

روزالوکزامبورگ، زندگینامه‌ای از نوع تاریخ نگاری است که جی.بی. تیل نوشته و هانا آرنت به ارزیابی آن پرداخته است. وی می‌گوید کار مؤلف به کار سیاستمداران و دنیا داران می‌خورد که کاری نبوغ‌آمیز نیز بوده است.

آرنت اعتقاد دارد آنچه که درباره‌ی روزالوکزامبورگ گفته شده، اغراق‌آمیز بوده و به ویژه که او در دنیای سوسیالیسم اروپایی نیز در حاشیه قرار داشته است. این کتاب از آن روی مهم است که این دوره‌ی حساس سوسیالیسم قرن نوزدهم را که سرنوشت‌ساز بوده، روشن کرده است. □

افسانه، چریکه، داستان بلند، اسطوره، انواع رمان‌ها ... پرداخته است. بعد از آن کتاب‌هایی که از آنها استخراج شده، معرفی و درباره آن بحثی مستوفی به عمل آمده است و به پیوست آن داستان و یا داستان‌ها به همراه تحلیل بسیار مختصر (ای کاش تحلیل‌ها کامل‌تر بود) و معرفی شخصیت‌ها و گاه بیان نوع اثر، زمان و مکان داستان در کنار هم قرار گرفته است. در معدودی از داستان‌ها زبان داستان نیز مشخص شده است. در بخش پایانی واژه‌نامه‌ای از اصطلاحات ادبی و نام‌های باستانی تدوین گردیده است. از ظهور اوستا تا به حال حدود سه هزار سال می‌گذرد. به طور حتم در طی این سال‌ها داستان‌های بسیاری به وجود آمده است که همه آنها را در اختیار نداریم. مکتوب نشدن برخی داستان‌ها، جنگ‌ها و لشگرکشی‌ها ... از مواردی هستند که باعث ناپدید شدن داستان‌ها شده‌اند.

به همین دلیل باید به این مقدار بسنده کرد و اگرچه می‌توانست غنی‌تر و پرمایه‌تر باشد. در پایان گفتن این مطلب خالی از لطف نیست. داستان‌پردازی در ایران با سایر علوم قرابت داشته و دارد. حکما، عرفا، فلاسفه ایرانی در این آوردگاه وارد شده‌اند و آثار خویش را تلطیف کرده‌اند، تا شاید مباحث غامض خویش را قابل فهم‌تر و سهل‌الحصول‌تر در اختیار مردم قرار دهند. در تحلیل این آثار به منظور شناسایی و شناساندن فرهنگ و تمدن ایرانی باید به جبران کم‌کاری‌های گذشته پرداخت و این کار میسر نمی‌شود الی همت‌عالی. □

● محمد صادق صدر